



۲۰۱۶/۰۶/۱۷

حنیف رهیاب رحیمی

طنز

اینها ملامت نیستند!!

دل‌م به حال زار همی رهبرهای وحدت ملی داغ داغ اس. همین دو تا گک را میگم که در اثر تلاشهای ماندگی ناپذیر ذوات بیچاره هریک گورستانی ببخشید نورستانی، خلیفه امرخیل و یک آدم خُو بردهٔ خماری و چند تایی دیگه به قدرت رسیدند و امروز اگرچه مانند دو ارابهٔ گادی! باهم دیگر خود یکی و یکجا نمیشن اما ده یک راه روان هستند. همین ها را می گویم که مردم از روی ضدیت و دشمنی برای شان عین و غین نام مانده اند. مه که می بینم کسی اصلاً از مشکلات و جنجال ها و تپ و تلاش شباروزی اینها خبر ندارد. و پیهم سرشان انتقاد سر انتقاد می کنند که طالبها ره از بین ببرند و صلح بیارن و

ده حالیکه مردم همیقدر فکر نمی کنن که اینها همیشه از جنگ متنفر و عاشق سینه چاک صلح و مذاکرات هستند. بطور مثال: اول دشمن که همراهی راکت ده شرق کشور وار میکنه، اینها با حوصلهٔ حضرت فیل نادیده می گیرند و مانند موش مؤدبانه از در صلح پیش می شوند.

دوم طالب و داعش و انتحاری که دستگیر می شود، خواب شب بالای آقای غین حرام میشه و فردا رویش را بوسیده عفو میکنه و تأکید هم میکنه که توبه کنه و دیگه ای کاره نکنه. همین پالیسی صلّهٔ رحم برای اینها از شهنشاه مداری ها آقای کرزی که سیزده سال مردم ما و همه دنیا ره به دُم خود بازی داد، به میراث مانده.

اما سوم، از بین بردن طالب نه هدف این هاست و نه هم از عهدهٔ شان پوره است، از بین بردن طالبها از خود تصمیم گیرندهٔ علیحده دارد. سگ جنگی خو نیس که جلو یک سگ را عین بگیره و غین دُم سگ دیگه ره و از میدان بیرون شان کنه و خیر و خلاص.

باز مردم شکایت میکنن که اینها غم ملت را در دل و عشق میهن را در سر ندارند. اول خو اگه اینها غم ملت را در سر ندارند چی در کجای خود دارند؟ اینکه هر بار که یک چند سرباز و مردم ملکی و این و آن، ده جنگ و انتحاری زخمی میشن و ده شفاخانه ها اجازهٔ داخله می یابند، این بیچاره گک ها با چه دلسوزی، چین و پکول و دریشی پلو خوری به تن کرده و خود ها را به بالین زخمی ها می رسانند و جویای احوال شان می شوند این دلسوزی نیست چیست؟ یک رئیس جمهور ده شفاخانه دیدن و عیادت یک آدمک عادی میره. از پادشاه های گذشته و نامدار کدام شان همین کار را کرده؟ سکندر کبیر کرده؟ شما خوانده اید که چنگیز و هلاکو نام یک زخمی ره ب ازبان آورده باشند؟

باز همی موضوع دیگه که مانند آفتاب عیان است و حاجت به بیان نیست همین همدردی اینها با مجروحین و شهداء و پتکه‌شان بالای طالب و داعش است. بعد از هر حمله انتحاری هر دوی همین عین و غین قبول تکلیف و زحمت فرموده، پیش کمره های تلویزیون ظاهر میشن و عمل طالب های وحشی را محکوم می کنند. ببخشین «به شدت» محکوم می کنند. ای فعالیت و همدردی نیس؟



حتی چندین بار ده گوش طالبها زدند که ملت شهید پرور ما به دادن قربانی تیار هستند تا شما برای صلح آماده نشده اید اینها قربانی داده میروند.

باز موضوع دیگر که اگر اینها به عیادت زخمی ها می روند، باز هم شکایت مردم بالا می شود که راه بندان و سرک بندان شد و زندگی عادی مردم مختل شده. آخر همی مردم چرا تحمل سه چهار ساعت راه بندان را ندارند؟ خو بگذارند که رابران ملی ما، با جانک های جور و سلامتی دوباره به ارگ برگردند.

خانه شان آباد (ببخشین ارگ شان آباد) که از این انتقاد مردم دیوانه نمی شوند که چرا اینقدر فسق و فساد در دولت زیاد است. آخر وقتی بالای یک وزیر کابینه جرم اختلاس و خیانت و حیف و میل بودجه دولت ثابت می شود، این دو نفر مجبور می شوند که آن وزیر را در یک کشور سفیر بسازند و یا در یک ولایت والی. مردم عوام باید همینقدر فکر کنند که اگر به این دسته وزیرها جزا داده شود اول خو در تمام کابینه دو الی سه نفر زیاد باقی نمی مانه و دیگران هر کدام دم شان با مرداری شان آلوده است. و دوم اینکه مردم همیقدر فکر نمی کنند که نصف این وزیر صاحب ها، رفیق های تشله بازی، دنده کلک و چشم پتکان آقای غین و نیم دیگر آن رفیقهای وقت جهاد و گولک بازی داکتر عین استند که علیه یک ابر قدرت جنگیده و حالا مستحق است که هم وزیر و والی باشد و هم بطور خستگی ناپذیر غم زندگی خود و اندیوالها ره بخورند.

تاریخ گواهد است که در کشور ما رئیس جمهور شدن و رهبر شدن کار دشواری نیست. اما کاندید محترم باید از یک قابلیت برخوردار باشد که عبارت است از داشتن یک سند و یک سرتفیکیت در شق دیده درایی و چشم سفیدی. دیگه کل، کور، لنگ، بی گرده، بی معده، بی مغز، شاشک، قلنجی، بی روده، چرسی، نصور پک، عیسوی، یهود... فرق نمی کنه، اشتراک همگان در انتخابات آزاد است و چانس برنده شدن هم زیاد.

در همین دوره پیش افغانستان را خداوند رئیسی داده بود که تمام مداری های دنیا به شاگردی اش هم نرسیدند. در چشم بهم زدن عوض اینکه مطابق ضرب المثل عامیانه خاکه ده چشم مردم بزنه، مرچ می زد و یکدم کور می کرد. با همی نیرنگ ها و چتاقی هایش سیزده سال تمام مردم افغان و جهان را با چشمک کردن چنان فریب داد که بعد از یک و نیم سال خلع شدنش مردم بخود آمدند و حالا باز در پشت پرده جمبوری ها و انتر و منتر را بکار انداخته تا دوباره به این نعمت بی مانند خداوندی دست یابد و اینبار تا آخر عمر اگه قسمت بود باقی بماند.

مردم شهید پرور و هموطنان متدین بی حوصله نشوین، خداوند مهربان است در کشور صلح بیاید. بانوی اول هم کمر همت بسته و با دلسوزی تمنی نموده که همین گل بدین را که بیچاره پیر شده بگذارند تا بقیه عمر ذلت بار خود را در کشورش سپری نماید، آخر زن است و قلب مهربان دارد خیر است که افغان و مسلمان نیست. و خبر خوش دیگر اینست که اکثریت طالبها، مریدان رئیس جدید شورای صلح جناب پیر صاحب گیلانی استند، بنابراین امسال یا پنجسال بعد یا ده سال بعد، مقصد به مجردی که برادران ناراض ما و مخافین سیاسی پیشنهادات انسانی صلح دولت ماره قبول کنند، صلح سرتاسری در کشور برقرار میشه. زنده باد صلح. (پناه بخدا.)

